

پیش به سوی روز جهانی نه به حجاب اجباری، روز نه به زن ستیزی!



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۰۰

جمعه ۵ دی ۱۳۹۹، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

جنایت مساله داخلی هیچ کشوری نیست

اصغر کریمی



سرتان خراب میکنیم. آنقدر افشایتان کرده ایم که امروز دولت هایی شروع کرده اند علیه تان قطعنامه صادر کنند و وزیر خارجه تان را با وزیر هیتلر مقایسه کنند و عضو گروه مرگتان را در سوئد به زندان بیندازند. اینقدر افشایتان میکنیم و افکار عمومی دنیا را بسیج میکنیم که دیگر هیچ مقام سابق و فعلی جنایتکاری جرات نکند پایش را به کشورهای دیگر بگذارد.

علی ربیعی، گفته است رویکرد کانادا درمورد شلیک به هواپیمای اوکراین دخالت در امور داخلی ایران و زیاده خواهانه و سیاسی است.

تازه مگر خودتان در کشورهای دیگر دخالت نمیکنید آنهم دخالت هایی تماما جنایتکارانه و تروریستی؟ و آنوقت اگر دولتی میگوید چرا به هواپیمای مسافربری موشک میزنید صدایتان درمیآید که امر داخلی خودمان است! دولت کانادا تحت فشار خانواده های جانباخته پرواز اوکراین و افکار عمومی جهانی، قرار است هر سال ۸ ژانویه، یعنی روزی که شما دست به جنایتی باور نکردنی زدید، را برای ادای احترام به جانباختگان این فاجعه و بازماندگانشان روز ملی

به علی ربیعی باید یادآوری کرد که جنایت مرز نمیشناسد و امر داخلی هیچ کشوری نیست. همانطور که انسانیت مرز نمیشناسد. این وظیفه دولت ها است که در مقابل جنایات یک دولت دیگر،

میخواهد فاشیسم هیتلری باشد یا اپارتاید آفریقای جنوبی یا جنایات جمهوری اسلامی یا جنایات طالبان و داعش یا کودک ربایی بوکوحرام، دخالت کنند، موضع بگیرند و فشار سیاسی بیاورند و جنایتکاران را به دادگاه بکشانند. برعکس دولت هایی که در این مورد دخالت نمیکند و با بی تفاوتی رد میشوند را باید تحت فشار قرار داد و افشا کرد.

خیالتان راحت باشد جنایتکاران، ربیعی و روحانی، خامنه ای و سلامی، ربیعی و سایر اوباش حاکم در ایران، آن دوران گذشت. دنیا را بر

ادامه در صفحه ۱۰

جامعه ای پرتحرک و رزمنده و حزبی فعال و همبسته

مصاحبه انترناسیونال با حمید تقوایی صفحه ۲

زمان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی فرا رسیده است

به فعالین سیاسی و احزاب اپوزیسیون صفحه ۳

زنان و مبارزه با حجاب اجباری

ژوبین زارع صفحه ۳

واکسن بخريد!

حسن صالحی صفحه ۴

بیانیه در حمایت از فراخوان کارگران

هفت تپه و اسماعیل بخشی! صفحه ۵

نگاهی به مبارزه علیه حجاب

سخنرانی فریده آرمان صفحه ۶

آوا عدالت: حق تکلم و آموزش به زبان نخست

صفحه ۷

از مدياي اجتماعی حزب

صفحه ۸

اطلاعيه ها

۱- واکسن همگانی و رایگان حق بديهي تک تک مردم است

صفحه ۱۱

۲- تجمع باشکوه مردمی در مقابل وزارت دادگستری

در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه صفحه ۱۲

۳- حکم اعدام محمد حسن رضایی باید بيدرنگ متوقف شود!

صفحه ۱۳

۴- تلخیصی از اطلاعيه خبری حزب!

صفحه ۱۴

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



مبارزات مردم در ایران است و از سوی دیگر ناشی از محک خوردن حقانیت و کارائی سیاستها و راهکارهای حزبی دردل این مبارزات. همانطور که اشاره کردید نبض حزب ما با نبض جامعه میزند و مضمون گزارش فعالیت های شش ماهه و همچنین دیگر مباحث و پیامهای پلنوم نشانگر این واقعیت بود.

انترناسیونال: شما در سخنرانی افتتاحیه پلنوم اشاره به این داشتید که مبارزات مردم ایران در جهان بی همتاست. چرا اینطور فکر میکنید؟ چه نتیجه سیاسی و عملی ای از این ارزیابی استنتاج میکنید؟

حمید تقوایی: نگاهی به مبارزاتی که در جامعه ایران در جریان است موضوع را روشن میکند. در سخنرانی افتتاحیه هم به این مبارزات اشاره کردم. کافی است تنها دو مورد اعتصاب هفت تپه و اعتراض علیه اعدام را در نظر بگیرید. کارگران نیشکر هفت تپه بیش از ۷ ماه است که زیر شدیدترین فشارها سازمانیافته، متحد و پیگیری را به پیش میبرند و اهداف و خواستههایی را مطرح میکنند که در واقع حرف دل همه کارگران و مردم ایران است. چنین اعتصابی در تاریخ معاصر ایران بیسابقه است و در سطح جهانی هم کمتر اعتصابی در این ابعاد مشاهده میکنید. به همین دلیل است که هفت تپه پایتخت اعتصابهای جهان لقب گرفته است و توجه جهانیان را به خود جلب کرده است.

مورد دوم اعتراض به مجازات اعدام است که با مقابله با حکم اعدام سه جوان معترض در خیزش آبانماه شروع شد و عملاً به یک رفراندوم چندین میلیونی در سطح جهان علیه اعدامها و حکومت اعدام در ایران بدل شد. ابعاد توفان توثیتری- با

جامعه ای پرتحرک و رزمنده و حزبی فعال و همبسته

مصاحبه انترناسیونال با حمید تقوایی در مورد پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب

مبحث گزارشات بدست میداد. برای حزب ما حضور فعال و دخالتگری در هر جا و هر زمان که جنبش و اعتراضی علیه تبعیض و فقر و بیحقوقی در جریان است یک سیاست و رهنمود حزبی نیست، بلکه جزئی از تعریف کمونیسم کارگری و هویت ما است. و به همین دلیل است که شما در تمامی عرصه های مبارزه در داخل و در خارج کشور، از اعتصابات کارگری و مبارزات معلمان و بازنشستگان و جنبش دادخواهی و اعتراض علیه اعدام تا مبارزه علیه آپارتاید جنسی و علیه اسلام سیاسی و در دفاع از حقوق پناهندگان و مبارزه برای بایکوت و طرد جهانی جمهوری اسلامی و غیره و حضور فعال حزب و ریدی حزب را مشاهده میکنید. این فعالیتها و دخالتگریها به جهت گیری و سیاستها و پلانتهای مصوب حزب مبتنی است اما نقطه عزیمت ما مبارزه برای تغییر شرایط زندگی همه مردم است. تغییر چه به معنی هر درجه بهبود در زندگی هر روزه مردم و بخشهای مختلف جامعه و چه به معنی بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و زیر و رو کردن نظام ضدانسانی موجود. در بحث حول قرارها و قطعنامه ها و در پیامهای پلنوم نیز این دو جنبه را مشاهده میکنید.

جنبه مهم دیگری که بویژه در مبحث گزارشات به چشم میخورد اتحاد و انسجام و اشراف کادرها و اعضای حزب با متد و جهت گیری و سیاستهای حزب بود. به نظر من حزب ما در یکی از منسجم ترین و شاداب ترین مقاطع زندگی مبارزاتی خود قرار دارد. این از یکسو نتیجه گسترش و پیشروی

پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۲۱ تا ۲۳ آذر ۱۳۹۹ (۱۱ تا ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰) با حضور اکثریت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی، تعدادی از کادرهای حزب، فعالینی از سازمان جوانان کمونیست و چند مهمان، بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد. به این مناسبت گفتگویی داریم با حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی و لیدر حزب.

انترناسیونال: در بخش گزارشهای مسئولین ارگان های مختلف حزبی، گزارش های شورانگیزی از فعالیت ها و کارهای گوناگون بخش های مختلف حزب ارائه شد که نشاندهنده این نکته بود که حزب بطور واقعی در جامعه حضور گسترده و فعال دارد و نبضش با نبض جامعه می زند، خشم و اعتراض مردم را به وضع موجود نمایندگی می کند و در یک کلام به سر تا پای این وضع اعتراض دارد. خود شما ارزیابی تان از این فعالیتها چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من پرشورترین جلسات پلنوم بخش ارائه گزارشات بود. فعالیت کمیته ها و ارگانهای حزبی و کارزارها و فعالیتهای عرصه ای و نهادهای مورد حمایت حزب در طی شش ماه اخیر چنان پربار و همه جانبه بود که برای بررسی و ارزیابی و حتی ارائه همه گزارشات وقت کافی نداشتیم. من در سخنرانی اختتامیه به این اشاره کردم که این نشست فعالین و دست اندرکاران مبارزه در یک جامعه توفانی است. و این تصویری بود که بویژه

نماینندگی میکند. این شرایط بما نشان میدهد که اولاً بسیاری از سیاستها و راهکارهای حزبی در جامعه جا باز کرده و از جانب اکتویستیهای جنبشهای مختلف به پیش برده میشود (آخرین نمونه سیاست بایکوت جمهوری اسلامی است) و ثانیاً حزب موظف است فعال تر، گسترده تر و پیگیرتر از همیشه ارتباط با فعالین جنبشهای اعتراضی را گسترش بدهد و بیش از پیش زمینه ها و کانالها و پلانتهای مبارزاتی معینی که به فعالین و مردم معترض امکان میدهد اعتراض خود را به رادیکال ترین و لذا موثرترین شکل ممکن به پیش ببرند را ایجاد کند و سازمان بدهد. عبارات دیگر مساله صرفاً بر سر دخالتگری و حضور فعال اعضا و کادرها در عرصه های مختلف مبارزاتی نیست، بلکه مهمتر از آن ایجاد امکانات و کانالهای مبارزاتی معینی است که بتواند در یک سطح کلان اجتماعی بخش وسیعی از فعالین جنبش سرنگونی و دیگر جنبشهای اعتراضی را به میدان بیاورد. مصوبات پلنوم بویژه سند رابطه حزب با جنبش سرنگونی جنبه های مختلفی از این سیاست را روشن کرده است.

در یک سطح عمومی تر ما شاهد گسترش جنبش سرنگونی و مبارزات و فعالیتهای وسیعتر و پیگیرتری در جهت بزیر کشیدن حکومت هستیم. حتی در عرصه های مشخص مثل جنبش علیه اعدام و یا جنبش دادخواهی صریحاً گفتن محاکمه سران حکومت و فساد و زدی مقامات و بجایش

ادامه در صفحه ۹

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org



دفتر سیاسی حزب
کمونیسست کارگری ایران

۱ دی ۱۳۹۹
۲۱ دسامبر ۲۰۲۰

صدر فعالیت های خود
قرار دهند. جمهوری
اسلامی قاتل مردم ایران
است و باید از همه نهادهای
بین المللی اخراج شود و
سران آن به جرم جنایت
علیه بشریت محاکمه
شوند.*

تبدیل شده است.

تحت این شرایط
جمهوری اسلامی بیش از
پیش مورد اعتراض و
بازخواست نهادهایی چون
عفو بین الملل، شورای
حقوق بشر سازمان ملل و
دولتهای غربی قرار گرفته
است. اما از این باید بسیار
فرا تر رفت. اکنون زمان آن
فرا رسیده که جمهوری
اسلامی همچون رژیم نژاد
پرست آفریقایی جنوبی در
جهان بایکوت شود و از
همه نهادهای بین المللی
اخراج گردد. این تحول بی
شک مبارزه مردم ایران
برای سرنگونی جمهوری
اسلامی را تسهیل خواهد
کرد.

ما همه فعالین و همه
نیروها و احزاب سیاسی
مخالف جمهوری اسلامی را
فرا می خوانیم تا تلاش
برای بایکوت جهانی
جمهوری اسلامی را در

زمان بایکوت جهانی

جمهوری اسلامی فرا رسیده است

به فعالین سیاسی و احزاب و اپوزیسیون

کارگری، اعتراضات و
جنبش های گسترده مردم
ایران علیه جمهوری
اسلامی و برای بدست
گرفتن سرنوشت خویش
است. بویژه جنبش
دادخواهی و جنبش علیه
اعدام، اعتراض به
جنایتهای حکومت اسلامی
در دهه شصت و به
قتلهای زنجیره ای،
کیفرخواست علیه کشتار
مردم معترض در خیزش
۹۶ و ۹۸، اعتراضات
پیگیر و سازمان یافته
خانواده های قربانیان شلیک
به هواپیما و خواست
محاکمه سران و مقامات
حکومت به جرم این جنایات
به جنبش رو به گسترشی
در ایران و در سطح جهانی

هر روز بیش از پیش بر
جهانیان آشکارتر می گردد
که جمهوری اسلامی
مصادق بارز جنایت علیه
بشریت است. اعدام های
شبانه مخالفین، شلیک
مستقیم به تظاهرکنندگان،
موشک زدن به هواپیمای
مسافربری، آدم ربایی و
گروگان گیری، شلاق زدن
کارگران اعتصابی و
زندانیان سیاسی، اعمال
آپارتاید جنسی علیه زنان و
انواع ستم های مذهبی و
قومی و فرهنگی بر متن
فقر و فلاکت عمومی و
نابودی محیط زیست اینک
به شناسه جمهوری اسلامی
تبدیل شده است. از سوی
دیگر جهان شاهد
اعتصابات شورانگیز

زنان و مبارزه با حجاب اجباری

ژوبین زارع

تاریخ با گلوله های برفی
که در میان آن ها سنگ
گذاشته بودند به زنان حمله
کردند.
زنان که مخالف حجاب
اجباری بودند از اولین
گروههایی بودند که
شعارهای اسلامی را به
چالش کشیده و آیت الله ها و
وابستگان آیت الله ها را
و ادار به واکنش و ایجاد دو
دستگی بین آن ها نمودند.

در جدیدترین نظرسنجی
انجام شده توسط موسسه
گمان در سال ۲۰۲۰
اکثریت مردم ایران مخالف
حجاب اجباری بوده اند و
مهدی نصیری مدیرمسئول
سابق روزنامه کیهان نیز از
طریق برنامه ای در شبکه
چهار صدا و سیمای
جمهوری اسلامی به این
موضوع اعتراف کرده
است.

هرچند که فشار بر زنان
همچنان ادامه دارد، اما
زنان با راهکارهایی
همچون رسوا کردن عوامل
گشت ارشاد، کمپین های
مجازی و غیرمجازی،
شعارنویسی و به چوب
کردن روسری بارها
مخالفت خود را با این قانون
ضد انسانی بیان کرده اند.
زنان جامعه خواستار
حقوق مساوی با مردها

پس از دست رفتن
سرزمین های تحت حاکمیت
طالبان و داعش و پس از
لغو قانون حجاب اجباری
در عربستان، جمهوری
اسلامی تنها حکومتی است
که حجاب در آن اجباری
است و سرپیچی از آن
موجب محکومیت از حبس
تا ۷۲ ضربه شلاق می
گردد.

در شرایطی که بخش
مهمی از حکومت سعی
دارد حجاب را امری
فرهنگی و وابسته به
درخواست قلبی و شخصی
خود زنان نمایش دهد،
مبارزات زنان از ابتدای
انقلاب ۵۷ نشان دهنده
مخالفت صریح و آشکار
آنان با حجاب اجباری است.
در اولین ماه بعد از انقلاب
۵۷ و در روز ۸ مارس،
زنان ایران در تهران و
بسیاری از شهرهای دیگر
از جمله سمنان، اصفهان،
ارومیه، کرمانشاه و
بندرعباس مخالفت آشکار
خود را با زرمه های آغاز
شده از طریق مطبوعات و
تلویزیون مبنی بر تبلیغ
حجاب اجباری را اعلام
کردند. از سوی دیگر
وحوش وابسته به حکومت
و انقلابیون وابسته به
جمهوری اسلامی در همان



زنان آزادیخواه ایران به
سراسر جهان و اعلام
حمایت از زنان مبارز در
راستای بایکوت سیاسی
جمهوری اسلامی، فعالیتی
ثمربخش جهت دستیابی به
این اهداف انسانی خواهد
بود.*

می کند و برای آن ها احکام
سنگین زندان و احکام
وحشیانه شلاق تعیین می
کند به دست خواهد آمد.
در این راستا نامگذاری
روز ۲۷ دسامبر به عنوان
نه به حجاب «روز
و رساندن صدای «اجباری

هستند. حقوقی که به واسطه
قانون اسلام از آن ها دریغ
شده است. حقوقی که تنها و
تنها با نابودی رژیم آپارتاید
جنسی اسلامی و ساز و
کارهای وابسته به آن که
زنان را به خاطر انداختن
حجاب دستگیر و زندانی

واکسن بخرید!

حسن صالحی

واکسیناسیون مردم باید بطور رایگان و به خرج دولت صورت گیرد



#واکسن_بخرید

دیگر به کام مرگ کشیده شوند؟! نباید به جمهوری اسلامی اجازه دهیم که بیش از این با جان و سلامتی مردم بازی کند! جمهوری اسلامی موظف است که فوراً واکسن خارجی معتبر و تایید شده تامین کند و در اختیار مردم بگذارد. باید جلوی هر گونه واکسن نامرغوب ساخت جمهوری اسلامی ایستاد و بر واکسن تایید شده از سوی سازمان بهداشت جهانی تاکید گذاشت. واکسیناسیون مردم باید بطور رایگان و به خرج دولت صورت گیرد. اعتراض در شبکه های اجتماعی در زمینه واکسن باید به اعتراضات خیابانی برای تامین فوری واکسن تبدیل شود. حکومتی که به فکر جان و سلامت مردم نیست و وجودش با نفس حیات و هستی شهروندان در تناقض است باید از سر راه برداشته شود. لازم است مردم با قدرت تمام حرفشان را در مورد واکسن و سلامتی خود به رژیم بزنند.*

قبلاً هشدار می دادند و حالا باید با لاف و گزافه از کنترل اوضاع حرف بزنند؟ مردم در کارزار خود در شبکه های اجتماعی گفته اند که به واکسن ایرانی کرونا اعتمادی ندارند و حق دارند که اعتماد نداشته باشند. در کشوری که رهبرش کرونا را توطئه آمریکا و بخصوص توطئه علیه ژنهای ایرانی می داند و می خواهد با ورد و دعا و لیسیدن حرم و شاش شتر و اسپند و روغن بنفشه به مقابله به آن برخیزد چگونه می شود به واکسن ایرانی اعتماد داشت؟ در کشوری که هر کدام از مقاماتش حرف دیگری را رد می کنند و صحبت هایشان پر از تناقض و دروغ است چگونه می توان به واکسن ایرانی اعتماد داشت؟ در کشوری که مسئولینش در مورد آمار درگذشتگان کرونا دروغ می گویند چگونه می توان به واکسن ایرانی دلخوش کرد؟ واکسن ایرانی به جای اینکه موجب آرامش کسی شود باعث نگرانی بیشتر مردم است. مردم می پرسند با این تولید داخلی قرار است چند نفر

در مورد تولید "واکسن ایرانی" که جمهوری اسلامی از آن حرف می زند حتی اگر چنین پروژه هایی هم به مرحله تولید و استفاده برسند مردم هیچگونه اعتمادی به این واکسن ها ندارند. این واکسن ها بیشتر شبیه آن درب قابله ای است که بعنوان دستگاه تشخیص کرونا جار زدن و موجب خنده و مزاح مردم شد. این چه واکسنی است که جمهوری اسلامی از آن حرف می زند ولی هیچ اطلاعات علمی از آن در دسترس نیست؟ مینو محرز، محقق اصلی پروژه تولید واکسن ایرانی کرونا همان کسی است که اخیراً وقیحانه دروغ گفت و اعلام داشت: "دلیل قرمز شدن همه ایران در این اواخر همین ویروس کرونای جهش یافته شایع شده در انگلیس بود که خوشبختانه آن را کنترل کردیم." معلوم نیست اگر ایران شاهد چنین ویروس جهش یافته بوده است چرا تا کنون اطلاع رسانی نکرده اند و حالا باید بعد از اعلام بریتانیا به جهانیان اعلام کنند؟ چرا

واکسن داخلی به تولید برسد و در این زمینه برای مردم نگرانی نخواهد بود." اما مردم به هیچیک از این حرفها باور ندارند. سوال این است که چه زمانی قرار است این واکسن خارجی به دست مردم برسد؟ چرا ما نباید مثل کشورهای اروپایی شاهد آغاز واکسیناسیون در کشور باشیم؟ مردم هیچگونه قصور و کوتاهی و هیچ عذر و بهانه ای را برای تهیه واکسن خارجی نمی پذیرند. هرگونه تاخیر در تامین واکسن خارجی و مرغوب و رایگان به معنای از دست رفتن جان انسانهای بیشتر است و این یعنی ادامه همکاری رژیم اسلامی با ویروس کرونا در کشتار مردم. می گویند تحریم است و تحریمها کار تهیه واکسن را سخت کرده است. این دروغ است! داروها جز اقلام تحریم نیستند. ناصر ریاحی رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو گفته است که "در طول این مدت همیشه دارو وارد کرده ایم و اگر این امکان وجود نمی داشت با فاجعه روبرو می شدیم." می گویند با خرید واکسن کرونا از کنسرسیوم بین المللی کوواکس مشکل داریم ولی این همه صحت ندارد. اخیراً یک سخنگوی کنسرسیوم کوواکس به واشنگتن پست گفته است که ایران مانعی برای دریافت واکسن از طریق این کنسرسیوم ندارد. می گویند امکان لجستیکی حمل و نقل واکسن را نداریم. حتی اگر همین را بپذیریم که حکومت امکان انتقالی داخلی واکسن فایزر در دمای منفی ۷۰ درجه را ندارد ولی واکسن های دیگری همچون مدرنا وجود دارند که حمل و نقل آنها اینقدر دشواری ندارد.

برخورد جمهوری اسلامی به خرید واکسن کرونا ادامه همان سیاستی در قبال این بیماری مسری است که متأسفانه تاکنون منجر به ساقط شدن زندگی و از دست رفتن جان های زیادی در ایران شده است. در حالی که بسیاری از کشورهای دنیا مشغول تهیه واکسن در اسرع وقت هستند و درشماری از کشورها نیز واکسیناسیون آغاز شده است، جمهوری اسلامی با سخنان پر از تناقض مردم را سر کار گذاشته است و ما را به ناکجا آبادی به اسم واکسن داخلی حواله می دهد. حتی دستگاه تبلیغاتی جمهوری در ضدیت با واکسن خارجی تبلیغات دروغین و مسمومی راه انداخت تا خریدن واکسن خارجی را توجیه کنند. این رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی به درست خشم جامعه را برانگیخته است و اعتراضات زیادی را موجب شده است. حالا مقامات جمهوری اسلامی می خواهند به مردم اطمینان دهند که سفارش واکسن خارجی را داده اند ولی مردم به درست به این رژیم هیچگونه اعتمادی ندارند. برای همین در شبکه های اجتماعی کارزاری با هشتگ #واکسن_بخرید راه افتاد و این اعتراضات فشار بیشتری را متوجه جمهوری اسلامی برای تامین واکسن کرده است. روز چهارشنبه سوم دیماه حسن روحانی در واکنش به این اعتراضات به مردم "بشارت" داد که "بانک مرکزی و وزارت بهداشت همه توان خود را به کار گرفتند و برنامه ریزی کرده اند. هم واکسن خارجی در اختیار مردم قرار می گیرد و هم امیدواریم در ماه های آینده



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wcpiran.org

بیانیه در حمایت از فراخوان کارگران هفت‌تپه و اسماعیل بخشی!

دانشجو، کارگر، ایستاده‌ایم در سنگر



"دانشجو، کارگر، ایستاده‌ایم در سنگر" بیانیه تشکلهای و گروههای کارگری، دانشجویی، فارغ التحصیلان، بیکاران و ورزشکاران و جوانان و بیکاران محلات) روز چهارشنبه سوم دیماه ۱۳۹۹، با گذشت بیش از پنج سال از اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران هفت‌تپه در برابر سرمایه‌داران "شرکت کشت‌و صنعت نیشر هفت‌تپه" و مدافعین حکومتی سرمایه‌داران، جلسه هیئت داورى دادگاه برای تعیین تکلیف آینده اقتصادی این شرکت و زندگی هزاران کارگر در این شهر، برگزار خواهد شد. اعتراضات و اعتصاباتى که از یکسو موجب به خط شدن دولت و وزارتخانه‌هایش، نیروهای انتظامی، امنیتی، قضایی و سایر ارگان‌های حکومت سرمایه‌داران علیه معیشت کارگران و نمایندگان آنها شد؛ و از سوی دیگر، میلیون‌ها نفر از کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان و غیره را در کنار و نیز در جبهه اعتراض کارگران هفت‌تپه علیه سیستم غارتگری قرار داد؛ تا جایی که در سال‌های اخیر، فریاد مطالبه‌گری کارگران هفت‌تپه، بازتاب‌دهنده خواسته‌ها و اعتراضات بخش وسیعی از جامعه علیه کلیت دم و دستگاههایی بوده که زندگی مردم ایران را در عمیق‌ترین تنگناها و بحران‌های اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی فرو برده است. از این رو، ما تشکلهای و گروه‌های امضاکننده این بیانیه، ضمن اعلام همبستگی با کارگران هفت‌تپه و اعلام حمایت از فراخوان اسماعیل بخشی به نمایندگی از این کارگران، همه کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، کارگران بیکار و جوانان جویای کار و همه مردم آزادیخواه را فرا می‌خوانیم تا با به اشتراک گذاشتن هشتگ **#خلع‌پدیکلام‌والسد**، به کارزار سراسری در حمایت از کارگران هفت‌تپه بپیوندید و به هر طریق ممکن به صدای اعتراض کارگران هفت‌تپه در برابر سیستم تبعیض و استعمار بدل شوید. هفت‌تپه پایتخت اعتصاب جهان و طین فریاد "اداره شورایی" در کل جامعه ایران است؛ فریادی که بخشهای معترض جامعه بویژه دانشجویان مدت‌ها است پرچم آن را به دست گرفته‌اند و با سر دادن شعار نیرومند "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم"، بر ضرورت همبستگی دانشجویان و کارگران و همگرایی مطالبات‌شان در برابر کل مفتخوران سرمایه‌دار، تأکید داشته‌ایم.

۱- تشکل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان
۲- تشکل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
۳- گروهی از دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد

- ۴- گروهی از دانشجویان دانشگاه های هنر تهران
۵- گروهی از دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر تهران
۶- گروهی از دانشجویان دانشگاه بهشتی تهران
۷- گروهی از دانشجویان دانشگاه پیام نور تهران جنوب
۸- گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس
۹- گروهی از دانشجویان دانشگاه مازندران
۱۰- گروهی از دانشجویان نوشیروانی بابل
۱۱- گروهی از دانشجویان دانشگاه علامه تهران
- ۱۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
۱۳- گروهی از فارغ‌التحصیلان رشته شیمی دانشگاه رازی کرمانشاه
۱۴- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه
۱۵- سندیکای نقاشان البرز
۱۶- گروهی از کارگران بیکار خیابان فرح، سنندج
۱۷- گروهی از کارگران کمربندی ۱۷ شهریور، سنندج
۱۸- گروهی از کارگران جوشکار خیابان چهارباغ، سنندج
۱۹- گروهی از کارگران ساختمانی خیابان ۱۷ شهریور، سنندج
۲۰- گروهی از کارگران بیکار روستای نوره، سنندج
۲۱- گروهی از کارگران بیکار شهرک صنعتی (کارخانه شیر)، سنندج
۲۲- گروهی از کارگران مرغداری‌های مریوان
۲۳- گروهی از فعالین کارگری سقز
۲۴- گروهی از کارگران لوله کش ساختمانی سقز
- ۲۵- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز
۲۶- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز
۲۷- گروهی از کارگران بیکار و جوانان بیکار محلات کریم آباد، تپه شافعی، بردبران و تپه ملان سقز
۲۸- گروهی از کارگران پتروشیمی سبلان عسلویه
۲۹- گروهی از کارگران پتروشیمی جم عسلویه
۳۰- گروهی از کارگران پتروشیمی بوشهر عسلویه
۳۱- گروهی از کارگران پتروشیمی صدف عسلویه
۳۲- گروهی از کارگران پتروشیمی دماوند عسلویه
۳۳- گروهی از فعالین لغو کار کودکان
۳۴- سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران
۳۵- بازنشستگان فلزکار مکانیک
۳۶- بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران
زندهباد مبارزات کارگران هفت‌تپه
- دوم دیماه ۱۳۹۹

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس : 11766

پولاریزاسیون : عمودی

سیمبل ریت : 27500

اف ای سی : 7/8

نگاهی به مبارزه علیه حجاب



متن سخنرانی فریده آرمان یکی از مسئولین سازمان حق زن در کنفرانس دختران خیابان انقلاب



جنگ که از سال ۵۹ شروع شده بود فضا را نظامی کرده بود و بعد سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی از سال ۶۰، فشار را بر زنان بیشتر کرد. در رمضان سال ۶۰ به اماکن عمومی دستور دادند که تابلویی در معرض دید مشتریان خود قرار دهند با این جمله: «به دستور دادگاه مبارزه با منکرات از پذیرفتن میهمانان و مشتریانی که رعایت ظواهر اسلامی را نمی‌کنند معذوریم». یعنی بدون حجاب نمی‌توانستی وارد مغازه‌ها و رستورانها شوی.

بالاخره در مرداد ۱۳۶۲ بود که مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی، برای بی‌حجابی در معابر عمومی، ۷۴ ضربه شلاق مجازات تعیین کرد.

خواهرم می‌گفت در بیمارستانی که کار می‌کرد مقنعه آوردند و بین پرستاران توزیع کردند و گفتند اگر مقنعه سر نکنید حکم اخراج و یا تعلیق کاری می‌گیرید. کلاه پرستاری را گرفتند و روسری سر پرستاران کردند. در بسیاری از محل‌های کار در مقابل در ورودی مأمورین را می‌دیدید که از ورود زنان بی‌حجاب جلوگیری می‌کردند. اگر در خیابان حجابیت مناسب نبود و موهابیت زیاد دیده می‌شد مأموران می‌آمدند و با توهین و کتک روسیت را پایین می‌کشیدند که موهابیت دیده نشود. پسر سه ساله نوستم بقدری از مأموران می‌ترسید که به

ادامه در صفحه ۱۰

اطلاعیه داد که با مزاحمین بانوان بشدت برخورد خواهد شد.

در مقابل چنین جامعه‌ای کار جمهوری اسلامی برای تحمیل حجاب و عقب راندن همان درجه آزادی زنان کار ساده‌ای نبود. مقاومت در همه جا شروع شده بود همه از اجرای این حکم امتناع می‌کردند. در مدرسه، دانشگاه، خیابان و محل کار فکر می‌کردند می‌توانند فوراً حجاب را تحمیل کنند اما ۵ سال طول کشید که نتوانستند قانون حجاب اجباری را در مجلسشان تصویب کنند، آنهم با اداره جات، با اسید و پونز و زندان و کتک زدن. اما روشن بود که خمینی و حکومتش قصد داشتند در اولین فرصتی که بتوانند حجاب را اجباری کنند.

۱۶ تیرماه ۵۹ شورای انقلاب به ریاست بنی صدر دستوری به ادارات داد که «خانم‌ها بدون پوشش اسلامی حق ورود به ادارات ندارند». بلافاصله بعد از آن حقوق و مزایای کارمندان زنی که بی‌حجاب در محل کار حاضر می‌شدند قطع شد و بسیاری از زنان کارشان را از دست دادند. اما هنوز در خیابان‌های شهر حجاب اجباری نشده بود. ولی تبلیغات شنیع علیه زنان در رادیو و تلویزیون و مساجد و نماز جمعه‌ها جریان داشت. مثلاً ۱۳ خرداد ۶۰ دادستان انقلاب به زنان اخطار تندی داد و بی‌حجابی را خیانت به انقلاب و شهدا اعلام کرد.

بلافاصله زنان شروع به اعتراض کردند در اولین واکنش به این حکم بزرگترین تظاهرات ۸ مارس در تهران ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ با شرکت ده‌ها هزار نفر و با پرچم نه به حجاب اجباری به راه افتاد. حدود ۱۵ هزار زن از دانشکده فنی تهران دست به راهپیمایی بطرف نخست وزیری زدند و بسیاری از مردان نیز آنها را همراهی می‌کردند. شعارها از جمله این بود: «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم». در اکثر شهرهای بزرگ از جمله کرمانشاه و بندرعباس و سنندج و ارومیه و اصفهان هم تظاهراتی انجام شد. در برخی ادارات و بیمارستان‌ها زنان دست از کار کشیدند. در مدارس دخترانه اعتراضات زیادی صورت گرفت. بحث درمورد حجاب در سراسر کشور جریان داشت.

مقامات دولت و تعدادی از آیت الله‌ها شروع به عقب نشینی کردند و گفتند منظورمان «اجبار نیست برای خود زنان خوب است و غیره». روزنامه‌ها با تیتر درشت در صفحه اول نوشتند «حجاب اجباری در کار نیست». ابعاد اعتراض چنان زیاد بود که خمینی تا یکسال و نیم بعد یعنی تا تیرماه ۵۹ خفقان گرفت و چیزی راجع به حجاب گفت. حتی دفتر خمینی

سیاسی علیه جامعه نبود. یک شوک شخصی هم بود. یک تعرض به همه عواطف و احساسات و حریم شخصی‌ات هم بود. و نه فقط من که میلیون‌ها زن دچار شوک شده بودند. جمهوری اسلامی وصله ناجوری برای این جامعه بود. جامعه نمیخواست این حکومت و مقررات اسلامی اش را بپذیرد. جمهوری اسلامی حکومتی ضد جامعه و ضد ارزش‌ها و فرهنگی بود که چند دهه در تار و پود جامعه نقش بسته بود. برای ما که با هزار آرزو برای ساختن یک جامعه آزاد و انسانی به صحنه انقلاب کشیده شده بودیم، احساس می‌کردیم می‌خواهند آزادیمان را هم از ما بگیرند. روشن است که بدون سرکوب و زندان و تیغ و اسید و سنگسار نمیشد حجاب را تحمیل کرد.

دو هفته پس از روز کار آمدن جمهوری اسلامی یعنی اوایل اسفند ۵۷ خمینی خواهان حجاب اجباری شد و دستور داد که هر بخشی از قانون حمایت خانواده با اسلام مغایرت دارد لغو شود. البته قانون حمایت خانواده در سال ۵۳ در زمان شاه تصویب شده بود و حتی در این قانون هم مطلقاً صحبتی از حقوق برابر برای زن و مرد وجود نداشت.

در نقاط مختلف تهران

من می‌خواهم راه ۳۹ ساله‌ای را که جنبش علیه حجاب طی کرد و اکنون به دختران خیابان انقلاب رسیده است را در صحبت‌هایم نشان دهم.

من متولد ۱۳۳۵ و یا ۱۹۵۶ میلادی هستم از وقتی که به خاطر میاورم در شهرستانی که بودیم و بعدها در تهران حجاب در میان نسل جوان جایگاه چندان نداشت و عمدتاً نسل ماقبل ما چادری بودند.

جامعه ایران اسلامی نبود. جامعه نسبتاً مدرنی بود. در تهران و شهرهای بزرگ حجاب بتدریج داشت و می‌افتاد. جوانانی مثل من مد لباس اروپایی را دنبال می‌کردند و مینی ژوپ می‌پوشید ما جوانان در جمع‌های مختلط و در دیسکو می‌رقصیدیم و آخرین موزیک‌های غربی را می‌شنیدیم. آرایش می‌کردیم و آن طور که دلمان می‌خواست لباس می‌پوشیدیم. کارمندان ادارات و دانش آموزان و دانشجویان دختر اکثراً بی حجاب بودند. اگر جوانی محسوب میشد و از جمع ایزوله می‌شد.

وقتی انقلاب شد برای هیچ‌کس قابل تصور نبود که ممکن است روزی مجبور شویم حجاب سر کنیم. آن روز را به خاطر دارم، برایم تماماً یک شوک بود. حجاب فقط یک مساله

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد



است که علاوه بر حجم استرس و اضطراب فراوان ورود به محیط تازه و ناآشنا، از کودک خواسته شود به زبان تازه ای حرف بزند فکر کند و باید مدام در ذهن خود سرگرم ترجمه و تجزیه و تحلیل کلمات باشد و این امر علاوه بر مشقات و فشارهای زیاد برای کودک، معمولاً سبب کاسته شدن خلاقیت و استعدادهاى کودک و به مرور عامل افت درسی او میگردد. حتی اگر خلاقیت کودک هم افت نکند تحمیل یک وضعیت رنج آور و دردناک از همان ابتدای زندگی به کودکان است.

همسالان و همکلاسی های کودک عرب زبان که متوجه تفاوت او با خود میشوند معمولاً از او فاصله میگیرند و دوستی نمی کنند و در خیلی موارد تحقیر میکنند و در بازی های جمعی او را مشارکت نمیدهند و این زمینه ساز دشمنی و کینه توزی در آینده میشود. کودک در ذهن خود میپروراند که فارس زبان دشمن او است و این تفکر متقابلاً در ذهن کودک فارس زبان هم پروراند میشود. عرب ستیزی و فارس ستیزی به عبارت روشنتر نژادپرستی از طفولیت ریشه پیدا میکند و این دقیقاً همان زمینه تفرقه و جدایی میان بخشهای مختلف مردم را فراهم میکند که حکومت و جریانات ناسیونالیست و قوم پرست آنرا باد میزنند.

از بعد دیگر ماجرا، معلم براحتی قادر به برقراری ارتباط کلامی نبوده و از اینکه بتواند احساسات و هیجانات دانش آموز خود را درک کند ناتوان است. ارتباط ضعیف و نارسای دانش آموز و معلم آموزش را به سخت ترین شکل خود میکشاند و بر علاقه و شور و اشتیاق کودکان تأثیر منفی میگذارد.

در مناطق محروم مردم تلویزیون در خانه ندارند که تماشای برنامه های کودک و کارتون کمک آموزشی به فرایند یادگیری زبان فارسی و یا زبان نخست

آوا عدالت

حق تکلم و آموزش به زبان نخست

تعهدات بین المللی ایران از این حق طبیعی، قانونی و بین المللی خود محرومند و رنج تبعیض را تحمل میکنند. حق تکلم به زبان نخست رابطه تنگاتنگی با دیگر حقوق بشری دارد. آموختن و سخن گفتن و تحصیل با همان زبان نخست برای کودکان به مراتب آسانتر و دلچسب تر است. کودکی که ۶ یا ۷ سال اول و مهم زندگی خود را در خانه و با پدر و مادر خود به زبان غیر فارسی صحبت کرده و یادگیری داشته، به یکباره در محیط آموزشی جدید و نا آشنای مدرسه قرار میگیرد و به اجبار باید تمام دوران تحصیل و آموزش را به زبان فارسی بگذراند. این ستم و نابرابری محض در حق کودکان غیر فارسی زبان است. وزیر آموزش پرورش حکومت گفته است "زبان فارسی خط قرمز ما است". و با این تأکید در واقع بر تداوم ستم و تبعیض علیه بخشهای زیادی از مردم تأکید میکند. زیرا بطور واقعی هیچگونه تدابیر و امکانات برای کودکان و والدین آنها و آموزگاران فراهم نکرده اند که این مشکل جدی اجتماعی را حل کنند.

اکثریت کودکان غیر فارسی زبان، در استانهای محروم و مناطق مرزی هستند که خیل عظیمی از آنها توانایی تکلم به زبان رسمی را ندارند و بعضاً اصلاً آن را نشنیده اند. این سردرگمی تنها شامل کودکان نمیشود. معلمان در این مناطق هم درگیر این مشکل هستند. آموزش به کودک نوزبانه زحمت دوچندان می طلبد، کودکی که در خانه با زبان مادری یا پدری (زبان نخست) تکلم میکند، بمحض ورود به مدرسه درس باید تمامی آموخته هایش را پشت در کلاس گذاشته و با زبان جدید صحبت کند. این رویکرد آسیب قابل توجهی به کودک میزند. زجرآور

زبان نخست همان زبان مادری یا پدری است که کودک از بدو تولد می شنود و از مادر فرا می گیرد و با والدین، خویشان و همسالان صحبت میکند و ارتباط اجتماعی برقرار میکند. ۲۱ فوریه هر سال روز جهانی زبان مادری است که از سوی سازمان یونسکو اعلام شده است. حق تکلم و آموزش به زبان نخست از حقوق شهروندی و بین المللی انسانهاست. مردم باید از حق طبیعی استفاده از زبان نخست (زبان مادری یا پدری) برخوردار باشند. زبان راه برقراری ارتباط است و انسانها با صحبت کردن همدیگر را می فهمند و تفکرات، احساسات، نیازهای خود را بیان میکنند. به گفته سازمان یونسکو ۶۷۰۰ زبان در دنیا وجود دارد. در ایران تعداد دقیق زبان و گویش ها در حدود ۲۰۰ زبان و لهجه است. ۱۰ زبان اصلی فارسی، ترکی (آذربایجانی، ترکمن، قشقایی) کردی، لری، عربی، مازندرانی، گیلکی، ارمنی، بلوچی به نسبت آمار گویشگران بیشتری دارند. از جمعیت ۸۴ میلیونی ایران، تعداد ۱۴ میلیون و ۴۶۸ هزار نفر آن دانش آموز هستند که به نقل از وزیر سابق آموزش و پرورش ۷۰ درصد از مجموع دانش آموزان ایران دو زبانه هستند. به عبارت روشنتر چندین میلیون دانش آموز "غیر فارسی زبان" هستند که سیستم آموزشی حکومت ایران نه تنها از آموزش زبان نخست امتناع می کند بلکه برنامه مدون و مشخصی هم در جهت آموزش زبان فارسی به این کودکان ندارد.

حق تحصیل به زبان مادری در اصل های پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده اما عملاً اقلیت های قومی ایران با وجود رسمیت این قانون و

مدنی، شغلی، فرهنگی هنری ورزشی، علمی و سیاسی همراه بوده است.

خوزستان رتبه سوم کشوری در تعداد دانش آموز را دارد. یک میلیون و صدوپنجاه هزار دانش آموز خوزستانی که اکثریت آنها عرب زبان هستند. شاید این پرسش در ذهن بیاید که آموزش زبان عربی در سیستم آموزشی ایران از سال ششم ابتدایی آغاز میشود، پس بنابراین کودکان عرب خوزستان چه مشکلی پیش رو دارند؟

پاسخ این است: آموزش زبان عربی از سال ششم تحصیل، زمانی که کودک ۱۲ ساله است و عملاً ۶ سال تحصیلی را به زبان فارسی پشت سر گذاشته شروع میشود که دیگر نوس دارویی پس از مرگ سهراب است و دلیل اینکه چرا زبان عربی در سیستم آموزش ایران جای داده شده است فقط به دلیل آن است که قرآن و کتابهای اسلامی را آموزش دهند و نه چیز دیگر.

آموزش قرآن برای ترویج دین و خرافه و همچنین محکم تر کردن پایه های اسلام سیاسی حکومت امری ضروری و لازم است. در سال ۲۰۱۷ همزمان با بزرگداشت روز دانش آموز (۱۳ آبان ۹۶) دانش آموزان یک مدرسه ابتدایی دخترانه در حومه شهر اهواز، به دلیل صحبت کردن به زبان

ادامه در صفحه ۱۱

همان اقلیم باشد. امکانات آموزشی دیگر نظیر اینترنت و استفاده از سوشیال مدیاها، کتابخانه های عمومی، کلاسهای رایگان آموزش زبان فارسی و زبان نخست نیز وجود ندارد پس چگونه ممکن است که کودکان بتوانند پروسه تحصیل خود را با موفقیت و بگذرانند؟

خوزستان با ۵۴ شهر و ۲۷ شهرستان را در بر میگیرد و بر اساس دانشنامه بریتانیکا بیش از نیمی از جمعیت ساکن در آن عرب هستند و به زبان عربی که همان زبان نخست آنهاست صحبت میکنند. امری که تبعیض و نابرابری بسیاری را در طول دورانه متحمل شده اند و حکومت فاشیست جمهوری اسلامی، ناحقی را بر آنان سنگ تمام گذاشته است. نداشتن حق تکلم در ادارات و مراکز دولتی به زبان عربی و بی حقوقی آموزش کودکانشان به زبان نخست در مدرسه، حذف زبان عربی از لیست زبانهای غیر فارسی در فرم ثبت نام مدارس، با علم به اینکه در خوزستان زبان اکثریت مردم عربی است، اینها همه اقدامات عامدانه و عرب ستیزانه رژیم حاکم است.

ضدیت با مردم عرب خوزستان سیاست سیستماتیک حکومت جمهوری اسلامی است که با شیوه های مختلفی چون دورنگه داشتن عربها از رشد اجتماعی، سواد آموزی، پیشرفت همه جانبه

اساس سوسیالیسم انسان است،

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت





نایب رییس مجلس:
می توانیم با تور ماهیگیری، زیردریایی های آمریکایی را شکار کنیم

عازم خلیج هستند. **تکبیر برادران حسین!** از مدیای اجتماعی حزب

لابد اصلاح طلب به قصد صید زیر دریایی های اتمی امریکا و اسرائیل سلحشورانه و حسین وار



پورتهای لمپنی یکی دیگر از این اوباش سلامی چکمه پوش قبلاً با کش رفتن در قابلمه

خانمش دستگاه ویروس یاب "مستعان!" را اختراع کرده بود حالا لابد قلاب بدست بهمراه این "عیر نظامی"

به حماقتشان می خندیم

سیاوش مدرسی

معمولاً حقیقت خشن و غالباً پنهان را به کمک طنز رونمایی و افشا میکنند. اما در وارونه ترین نظام سیاسی شاید تاریخ بشر رابطه طنز و حقیقت انگار وارونه است. روز مره به این اوباش، جهلشان، حماقتشان میخندیم اما اینها کاربدست تحمیلی جامعه ای امروزی و مدرن هستند و مایه آزای این کثافتکاریشان تباهی، فقر، اعدام و کشتار مردم بیگناه است. این هم از آخرین "کف چرانی" ها و هارت و



فقر مردم و ثروت حکومت



وتمدنانه طریق برای تغییر وضعیت و دگرگونی و انقلاب در کشور است. برای نجات خود ویرای نجات کشور راهی جز انقلاب در پیش روی مردم نیست. زنده باد انقلاب - سرنگون باد رژیم ضد انقلابی و ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران.

وهر روز تاخیر در انداختن این حکومت لطمات جبران ناپذیری برای کشور و مردم در پی دارد. بنابر این برای پیشگیری از نابودی همه چیز و فرو پاشی کشور در فقر و بدبختی و نابسامانی بیشتر اوضاع باید دست بکار شد و حکومت را هر چه زودتر از دست اوباش اسلامی با توسل به قیام و انقلاب گرفت و در هم کوبید. این کم هزینه ترین و مسالمت آمیز ترین

ملاکین و موشی غارتگر دزد چپاولگر رانت خوار برای آنان آبی گرم نمی شود. این حکومت و نظام اقتصادی اجتماعی تنها باید در هم کوبیده شود تا مردم بتوانند قدرت و ثروت را از دست اقلیت مفتخور غارتگر خارج کنند و در راستای رفاه خود پیشرفت کشور و بهبود شرایط زیست انسانی. خود به کار گیرند. هر روز تاخیر در هجوم به حکومت اوباش اسلامی

دلالت و محترک و مال مردم خورند! روایت نوبخت از گرانی اجناس:

جیب مردم پر پول هست و ریختند در بازارها که خرید کنند اما جنس وجود ندارد و برای همین قیمت ها بالا رفته!

از مدیای اجتماعی حزب

فاصله فقر و ثروت در ایران

حسن محمدی

البته مردم نوبخت اینا نیستن مردمش دختران مظلوم و ژن خوب مسئولین و یک مشت رانت خوار و دلار جهانگیری بگیر و

"فقر مردم و ثروت حکومت"

حمید صداقت

تورم با حدت و شدت پیش میرود و حکومت هریک فصل اجازه افزایش قیمت محصولات کارخانه ای را به مالکین و صاحبان کارخانجات میدهد. این جدای از افزایش روزمره و نوسان خرد و روزمره قیمت کالاها است که بدنبال بالا و پایین رفتن نرخ برابری ریال با دلار و دیگر ارزهای معتبر و مرجع روی میدهد است. این در حالی است که مزد و قیمت نیروی کار هر ساله در اواخر اسفند به موضوع کشمکش حکومت و دولت کارفرمایان با نمایندگان خود گمارده کارگران برسر تعیین مزد تبدیل می شود. نمایشی تهوع آور از چانه زنی، گفتگو و بحث پیرامون حقوق کارگری که حال آدم را بهم میزند و آخر سر مبلغی را، که هیچ

اول دی ۹۹ از مدیای اجتماعی حزب

جامعه ای پرتحرک و رزمنده و حزبی ...

کشیدن کل رژیم مطرح است. حتی جنبش کارگری در مقابل فساد و چپاولی که در هیات خصوصی سازی و پیمانکاری بجان کارگران افتاده است بمیدان آمده است. این هم یک خودویژگی مشخص جامعه ایران است که شکلگیری یک انقلاب زیر و رو کننده را نوید میدهد. در این مورد هم پلنوم قطعنامه معینی تحت عنوان جنبش سرنگونی در آستانه انقلاب را به تصویب رساند.

انترناسیونال: همه قرارها و قطعنامه هائی که هر کدام به نوبه خود بسیار مهم و با اهمیت بود در این نشست تعیین تکلیف شد. احتمالاً اول بار بود که پلنوم فرصت پیدا کرد که همه قطعنامه ها و قرارها را بررسی کند و در مورد آنها تصمیم بگیرد. دلیلش چه بود؟

حمید تقوایی: بله پلنوم حدود یک روز و نیم به ارائه گزارشات و بحث در مورد آنها پرداخت و در یک روز نیم باقیمانده در مورد چهار قطعنامه و سه قرار به بحث و تصمیمگیری پرداخت و بعلاوه توانست چهار پیام و فراخوان خطاب به بخشهای مختلف جامعه اعلام کند. ما معمولاً در پلنومها و کنگره ها به همه مفاد دستور نمیرسیم و بخشی از اسناد در دستور را به دفتر سیاسی بعدی واگذار میکنیم اما خوشبختانه در این پلنوم

حزب ما در چندین ساله اخیر است. کلاً این پیشروها به یمن خیزش توده ای ۹۶ و ۹۸ امکان پذیر شده است و در تحلیل نهائی همین خیزشها است که کل فضای مبارزاتی در جامعه و در نتیجه در پلنومهای حزب ما را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. جامعه ایران هیچ زمان چنین پرتحرک و فعال و منسجم و همبسته نبوده است. مباحث پلنوم ما و راندمان بالایش بازتاب این شرایط است.

انترناسیونال: چه نکته تازه ای در قطعنامه های مصوب وجود داشت که قابل تاکید میدانید؟

حمید تقوایی: اسناد مطرح شده در این پلنوم بیش از اینکه حاوی سیاست و یا نکته تازه ای باشد نوعی تاکید و ارتقا و استنتاج از جهتگیری و سیاست های تاکتونی حزب بر مبنای شرایط تازه بود. مثلاً قطعنامه جنبش سرنگونی در آستانه انقلاب تبیینی از شرایط سیاسی ایران و تقابل بین حکومت و توده پیا خاسته مردم بدست میدهد که قبلاً در ادبیات و تبلیغات حزب مطرح شده است. هدف از ارائه این سند نوعی جمعبندی و ارزیابی پایه ای تر از موقعیت رژیم و جنبش سرنگونی و تبدیل مواضع و نظرات اعلام شده حزب در این زمینه به یک سند مصوب حزب بود.

در مورد قطعنامه مربوط به پیشروی جنبش کارگری نیز همین امر صادق است. اعتصابات

هفت تپه و صنایع نفتی اولاً یکبار دیگر جایگاه و نقش برجسته جنبش کارگری در تحولات جاری در ایران را به نمایش میگذارد و ثانیاً امکان سراسری شدن اعتصابات کارگری را بیش از پیش در چشم انداز قرار میدهد. ازاینرو حزب لازم بود در سند مصوبی این ویژگی ها را برجسته کند و یکبار دیگر اهمیت اعتصابات سراسری و گفتمان اداره شورائی را مورد تاکید قرار بدهد.

سند دیگر که در پلنوم به تصویب رسید قطعنامه رابطه حزب با جنبش سرنگونی بود.

این قطعنامه در واقع استنتاج عملی مشخصی از بحث حزب و جامعه و این جهتگیری و هدف عمومی است که حزب میتواند و باید به نمایندگی جنبش سرنگونی و کل جامعه در برابر جمهوری اسلامی تبدیل بشود. قطعنامه بر این مبنا متد و شیوه عملکرد حزب در قبال فعالین جنبش سرنگونی و جنبشهای اعتراضی را تعیین و تبیین میکند. پراتیک حزب و مشخصاً فعالیت کارها و فعالین و چهره های حزبی تا کنون در همین جهت بوده است اما این قطعنامه این جهتگیری را تبیین و فرموله میکند و بعنوان یک سیاست و متد مصوب حزبی در دستور کار قرار میدهد.

قرارهائی در مورد بایکوت جمهوری اسلامی، حمایت از انجمن خانواده های قربانیان شلیک به هواپیما و همچنین گسترش عضویت حزب در ایران به تصویب رسید که این اسناد نیز بازتاب پیشروها و دستاوردهای حزب در دوره اخیر است.

در کل باید گفت که مصوبات پلنوم بیش از هر زمان دیگری نشاندهنده موقعیت و جایگاه سیاسی حزب در شرایط حاضر و ملزومات پیشروهای بیشتر آن بعنوان یک نیروی اجتماعی بود.

انترناسیونال: جمعبندی و ارزیابی شما از برگزاری این پلنوم چیست؟ پلنوم چه نتایج و دستاوردهائی داشت؟

حمید تقوایی: این پلنوم نیز مانند پلنوم قبلی بخاطر اشاعه بیماری کرونا بطور

آنلاین برگزار شد و این امر باعث شد تا تعداد بیشتری از اعضای کمیته مرکزی، مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب بتوانند در این نشست شرکت کنند. نفس این حضور وسیع باعث شده است تا پلنومهای ما در مقایسه با نشستهای حضوری در سالهای قبل، فعال تر و زنده تر و پربار تر باشد. اکنون این نشستهای وسیعتر تصویر واقعی تر و روشن تری از موقعیت کلی حزب، جایگاه اجتماعی و مناسبات درونی آن، و نظرات و مشغله های ذهنی و طرز فکر کادرهای حزب بدست میدهد. از همه این جنبه ها پلنوم اخیر، همانطور که بالاتر اشاره کردم، نشاندهنده انسجام و همبستگی و شور و روحیه بالای کمیته مرکزی و کادرهای حزب و اشراف آنها به جهتگیری و متدلوژی و سیاستهای حزبی بود. برای من شخصاً این بسیار شورانگیز و امیدوار کننده است و فکر میکنم همه شرکت کنندگان در پلنوم هم در این احساس با من شریک هستند. این به نظر من مهمترین دستاورد پلنوم بود.

تا آنجا که به اسناد مصوب حزب مربوط میشود به نظر من این اسناد راه پیشروهای بیشتر حزب بعنوان یک نیروی اجتماعی را هموار میکند. رهبری حزب وظیفه دارد نتایج پلانتهای عملی مبتنی بر این اسناد را تویین کند و در دستور کار بگذارد. به نظر من بعد از این پلنوم حزب بیش از همیشه برای پراتیک و متحقق کردن سیاستهای حزب در زمینه های مختلف آماده و حاضر به یراق است. این موقعیت بر متن مبارزات گسترده و رادیکالی که در جامعه جریان دارد، چشم انداز امیدبخشی را در برابر ما قرار میدهد. تصور میکنم و امیدوارم در پلنوم بعد، شاهد گزارشات و دستاوردهای پربار تر و گسترده تری باشیم.*

انترناسیونال: با سپاس از شما

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانی با آدرس های زیر تماس بگیری:

سایت حزب: www.wpiran.org
واتس اپ: +۹۸ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
تلگرام: @wpi_hkki
پیامکیر تلگرام: @wpi_tamas
اینستاگرام: wpi91
فیسبوک: www.facebook.com/wpiran





امروز در راس مبارزه ای قرار گرفته اند که ۳۹ سال است جریان دارد. آنها این مبارزه را یک گام مهم به جلو بردند. آنها به سهم خود ضربه موثری به حکومت و فرهنگ اسلامی و ایدئولوژی حکومت و به ملی اسلامی ها و کل جریانات ریز و درشت اسلامی زدند. آنها عکس العمل جامعه در مقابل جمهوری اسلامی و طالبان و داعش و همه نیروهای اسلامی هستند. منصور حکمت حق داشت از انقلاب زنانه در ایران صحبت کرد. دختران خیابان انقلاب بیشتر باید تکثیر شوند.*

جمهوری اسلامی با حجاب آمد و بدون حجاب میروید.

۵ آپریل ۲۰۱۸
استکھلم

آخوند گذاشتند. نیروهایی را روانه پارک ها کردند. در هر چهارراه و خیابانی نیروهای گشت مستقر کردند. طبق آمارهای مختلفی که حکومت منتشر کرد چیزی بین ۲ تا ۳ میلیون نفر سالانه بخاطر بد حجابی تذکر گرفتند و یا جریمه شدند و یا زندانی شدند. خود این به تنهایی ابعاد جنگ با زنان و مقاومت زنان را نشان میدهد.

در سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی طی گزارشی اعتراف کرد که طرح امنیت اجتماعی ناموفق بوده است.

صحبتم را با اشاره کوتاهی به دختران خیابان انقلاب تمام میکنم. امیدوارم تصویری که از تحمل حجاب و مقابله با حجاب دادم کمک کند که اهمیت کار دختران خیابان انقلاب بهتر فهمیده شود. آنها

مسائل دعوای جنائنها شده بود.

اما زنان آنطور که رفسنجانی میگفت آدم نشدند بلکه خود رفسنجانی بود که ۱۵ سال بعد آدم شد و در سال ۸۲ شروع به انتقاد از خشکه مقدس ها کرد. او صریحا گفت «خشکه مقدس ها سخت گیری هایی در مسئله حجاب انجام دادند که برای جامعه مخصوصاً در زن ها حالت فرار درست کرد.»

علیرغم همه فشارها زنان از هر فرصتی برای مقاومت استفاده میکردند. حکومت که موفق به تحمل کامل حجاب نشده بود در دوره احمدی نژاد در سالهای ۱۳۸۴ و ۸۷ طرح هایی را که محورش رعایت حجاب بود تصویب کرد و بودجه و تبلیغات و نیروی زیادی به آن اختصاص داده شد.

در هر مدرسه ای یک امروز هشتاد میلیون نفر دادخواهند و هر تکانی که میخورید به سرتان میریزند و ابروی نداشته تان را میبرند. روزی که در دادگاههای علنی مجبور به جواب دادن میشوید دیر نیست. سرنوشت شما از سرنوشت حکومت هیتلر بسیار بدتر است و راه فراری برایتان باقی نمیگذاریم.*

نه میبخشیم نه فراموش میکنیم
سرنگون باد
جمهوری اسلامی



نگاهی به مبارزه علیه حجاب ...

نهیست. امثال شیرین عبادی ها گفتند "زنان مسائل مهمتری دارند". ایشان و همفکرانشان هنرشان این بود که تفسیر و تعبیر صحیح از قرآن و فقه اسلامی بدهند. و ما در مقابل همه اینها گفتیم حجاب مساله اصلی است. مگر نمیبینید که حکومت همه نیرویش را صرف تحمل آن کرده است چون میدانند که حجاب را که تحمل کرد سایر بیحقوقی ها را هم تحمل میکند. ما گفتیم حجاب هویت حکومت است. بدون حجاب حکومت اسلامی در کار نخواهد بود.

در اردیبهشت ۶۵، رفسنجانی در نماز جمعه گفت: «بعضی از خانها رضایند مویشان بیرون باشد، یا پشت در خانه بایستند تا کسی عبور می کند اندام لخت خود را نشان بدهند. به حزب الله وعده دادیم اینها آدم می شوند؛ ولی مثل اینکه یک مقدار احتیاج به خشونت دارند.» در اردیبهشت سال ۶۷ هم گفت: «خانم های بدحجاب در خیابان های تهران زیاد گستاخ شده اند؛ به خاطر جنگ سخت گیری کم شده است.»

رفسنجانی بارها به زنان بی حجاب در صحبتهاش توهین کرد و در سال ۶۷ آنها را گستاخ نامید. رفسنجانی ۱۵ سال بعد در سال ۸۲ مجبور شد موضعش را تغییر دهد و از خشکه مقدسها برای سختگیران سر حجاب انتقاد کرد. حجاب یکی از

محض دیدن ماموران وقتی در بغل مادرش بود روسری مادرش را پایین می کشید و می لرزید برای اینکه یک بار شاهد دعوی مادرش با ماموران بوده حتی یک بچه کوچک باید با ترس زندگی میکرد.

در این میان موضع گیری نیروهای مختلف هم جالب است که چطور افکار نشأت گرفته از اسلام خود را به نفع حجاب اجباری به کار می گرفتند. میگفتند "حجاب و مساله زن فرعی است"، "الان وقت مقابله با ضد انقلاب است"، "حجاب نماد مبارزه با امپریالیسم است". این موضع توده ایها و اکثریتی ها و روشنفکران شرق زده ال احمدی بود. کسانی مثل سمین دانشور در مقاله ای در کیهان "حجاب را مسئله ای فرعی دانسته و از هر دو گروه طرفداران و مخالفان حجاب خواسته بود که بهانه به دست ضدانقلاب ندهند و به مسائل مهمتر بپردازند." موضع سازمان مجاهدین شییه خود آیت الله ها بود. روز ۲۳ اسفند بیانیه این سازمان در روزنامه اطلاعات چاپ شد که گفته بود: «حجاب چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه.»

زنان، هم باید در مقابل سرکوب حکومت می ایستادند هم در مقابل توجیهات جنبش ملی اسلامی و روشنفکران شرق زده و عقب مانده، که میگفتند حجاب مساله اصلی

جنایت مساله داخلی هیچ کشوری ...

اطلاعاتی در مورد تصمیم گیرندگان و امرین و عاملین این جنایت حتی به دولت اوکراین ندادید تا رو نشود که این جنایت دستبخت مشترک خامنه ای و سلامی و برخی دیگر از فرماندهان سپاه و مقامات حکومت بوده است.

میدانید که ولتان نمیکنیم. خانواده ها ولتان نمیکنند. دولت ها هم سکوت کنند

اعلام کند. اما حکومت شما در ادامه جنایتتان حتی خانواده های جانبازگان را هم راحت نگذاشتید. آنها را تهدید کردید که مراسم نگیرند حتی خانواده ای را تهدید به تجاوز کردید. برای اینکه کاملاً آشکار نشود که عامدانه تصمیم به این جنایت گرفتید جعبه سیاه را تا مدتها تحویل ندادید. یکسال خفقان گرفتید و

از صفحه ۷

حق تکلم و آموزش به زبان...

عربی با یکدیگر از سوی معلم مورد اهانت و تنبیه قرار گرفتند. از آنها خواسته شد که صدفبار بنویسند "از صحبت کردن در کلاس به زبان عربی پرهیز کنیم" کودک عرب از حق آموزش و تکلم به زبان عربی یعنی زبان نخست خود به عنوان حق طبیعی و بشری خود محروم است.

بی عدالتی که به مردم عرب خوزستان روا شده، همچون زنجیره ای در زندگی کودکان و والدین آنها مدام تکرار می شود. خیل وسیعی از کودکان عرب زبان خوزستان، به ویژه دختران فقط و فقط بخاطر عدم توانایی به تکلم زبان فارسی (که اجباراً از سوی حکومت به زبان اصلی آموزش و زبان مشترک منصوب شده است)، از تحصیل در مدارس باز مانده اند و یا پس از طی کردن چند کلاس در مقطع ابتدایی، ترک تحصیل کرده اند و به دنبال محرومیت از ادامه تحصیل، باید وارد چرخه

زندگی بزرگسالی شوند و به کار مشغول شوند.

مردان و زنان عرب زبان با وجود توانایی و استعدادها بالقبول ای که دارند ناچارند رو به سوی مشاغل بیابورند که نیاز کمتری به استفاده از زبان فارسی دارد مثل کارهای خدماتی، باغبانی و کشاورزی، نظافتچی و آبدارچی در ادارات، نگهداری، رانندگی باربری و... و با حقوق ناچیز از محل کسب و کار خود زندگی فقیرانه خود را بگردانند.

دختران خانواده های عرب زبان ستم مضاعفی را به دوش میکشند. پس از ترک تحصیل باید خانه داری بکنند مردسالاری را بپذیرند و به عنوان جنس ضعیف در مقابل سنن و آداب مردسالاری سر خم کرده، روابط اجتماعی محدود و کنترل شده ای از سوی خانواده و همسر و اقوام داشته باشند. این دختران مجبورند در سنین زیر ۱۵ سال به خانه

همسر بروند، بچه دار شوند و بچه های متولد شده نیز در چرخه زنجیره فقر و محرومیت و تبعیضی که پدران و مادرانشان متحمل شده اند، قرار گیرند. چرخه این آپارتاید نژادی سلسله وار ادامه دارد.

دور ماندن از تحصیل و آموزش نه تنها به افزایش بیسوادی دامن زده و سبب شکوفا نشدن استعدادهای کم نظیر کودکان جوانان زنان و مردان عرب شده است، بلکه راه را برای داشتن تعامل اجتماعی موثر با مردم فارس زبان، فرصت های پیشرفت اجتماعی از مردم عرب بسته است.

محروم ماندن از روابط اجتماعی، محرومیت شغلی در خور و شان و منزلت مردم عرب، محرومیت از حق آموزش و آزادی تکلم به زبان نخست، محرومیت از حضور در فعالیت های اجتماعی هنری فرهنگی منجمله حضور مشخص و دایم در عرصه سینما و تلویزیون، محرومیت های ورزشی، تبعیض سیاسی و دور نگه داشتن مردم عرب زبان از مشاغل مهم و کلیدی، محرومیت های پزشکی و درمانی که در

همین دوران کرونا دیدیم که حکومت گویی با استقبال از شیوع کرونا در خوزستان میخاهد مردم را نابود کند.

باقی نگه داشتن مردم در جهل و خرافه و بی بهداشتی و فقیر نگه داشتن اکثریت عظیم این قشر و به زندان و قتلگاه کشاندن جوانان معترض، شعرا، روزنامه نگاران، نویسندگان، اندیشمندان و فعالان عرب جزئی از برنامه های هدفمند حکومت برای سرکوب، تضعیف و آسیب پذیر کردن مردم عرب خوزستان است.

سالهاست که مردم عرب هوشیارند و خواسته های خود را مطالبه میکنند. حق تکلم و آموزش به زبان دلخواه مردم، حق داشتن ترویج رایگان در ادارات و مراکز درمانی، حق به رسمیت شناختن زبان عربی در مدارس و ارگانها، لزوم حفظ احترام و شان و منزلت مردم عرب و سایر قومیت ها وظیفه تعریف شده حکومت است و باید به آن جامه عمل بپوشاند.

حکومت جمهوری اسلامی و آموزش و پرورش باید این مهم را در راس آموزه هایش قرار دهد

که هیچ زبانی بر زبان دیگری برتری ندارد و همه زبانها ارزشمند و مهم هستند. هیچ قومیتی به قومیت دیگر برتری ندارد. همه اقوام محترم و گرانقدر هستند. تفکیک قومیت ها و ارزش گذاری های ناعادلانه و سودجویانه و ترویج آپارتاید قومیتی، زبانی، جنسیتی در جامعه، روال کار همه جوامع سرمایه داری و فاشیستی است.

"دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را به عنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد."*

(از برنامه یک دنیای بهتر)



داده شده است، هیچ بهانه و توجیهی برای تحمیل تامین سلامت عمومی، با هزینه خود مردم قابل قبول نخواهد بود.»

نباید اجازه داد مثنی مفتخر بی خاصیت و جنایتکار با جان مردم بازی کنند.*

حزب کمونیست
کارگری ایران
۳۰ آذر ۱۳۹۹



واکسن همگانی و رایگان حق بدیهی تک تک مردم است

بلکه به سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده است که بدلیل فقدان زیرساخت های لازم، نداشتن هواپیما و امکانات حمل و نقل و با نگهداری واکسن در دمای مناسب واکس فایزر را نمیخواهد!

سوال مردم از مفتخوران حاکم این است که چرا حکومتی که صدها میلیارد دلار صرف تسلیحات موشکی و اتمی کرده است توان تامین هواپیما و امکانات حمل و نقل واکسن را ندارد؟ حتی اگر عذر حکومت در مورد واکسن فایزر را بپذیریم سؤال اینست که چرا برای خرید و توزیع انواع دیگر واکسن که نگهداری و توزیع آنها آسانتر است اقدامی نشده است؟ مردم میگویند چرا به

حتی اگر جمهوری اسلامی خود عامل گسترش شیوع کرونا نبود، اگر به مردم دروغ نگفته بود و پنهانکاری نکرده بود، اگر امامزاده ها و مساجد را بموقع بسته بود و روغن بنفشه و انواع مزخرفات را خرافات را بجای راه حل واقعی تبلیغ نکرده بود، اگر بیمارستان ها را آماده کرده بود و کادر درمانی را به تجهیزات ایمنی مجهز کرده بود، اگر زندانیان را آزاد کرده بود و پادگانها را خالی کرده بود، باز هم وظیفه داشت بلافاصله بودجه لازم برای واکسن رایگان را برای همه مردم تامین کند. اما جمهوری اسلامی بر خلاف سایر دولت ها نه تنها اقدامی برای تهیه واکسن نکرده

همکاری تاکنونی با کرونا در گرفتن جان مردم خاتمه نمیدهد؟ چند نفر دیگر باید بمیرند که واکسن بخرید؟ چرا بودجه ارگانهای نظامی و ارگانهای مذهبی و اوپاش سرکوبگران را به نجات جان مردم اختصاص نمیدهد؟ چرا از اموالی که توسط آیت الله ها و مقامات و آقازاده ها به غارت رفته است برای تامین زندگی مردم استفاده نمیکنند؟

باید همه جانبه حکومت را تحت فشار قرار داد. باید خواست تهیه فوری واکسن رایگان برای همه مردم را به حرکتی در سراسر کشور تبدیل کرد. تاکنون بیش از سی تشکیل کارگرمی، دانشجویی و مردمی و تعدادی از چهره های ورزشی با بیانیه هایی اعلام کرده اند که «سران حکومت برخلاف سایر حکومت های جهان، راه بازی با جان میلیون ها انسان را با دروغ های

دنیا بدون فراهوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلا بی بدل میشود! منصور حکمت

تجمع باشکوه مردمی در مقابل وزارت دادگستری در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه خلع ید یک کلام، خواسته ما والسلام

#خلع_ید_یک_کلام_والسلام



حمایتهای گسترده از فراخوان کارگران نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی



ساعت دو بعد از ظهر امروز سوم دی ماه، جمعیت کثیری از کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و مردم معترض در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و پاسخ به فراخوان آنان و نماینده محبوب کارگری اسماعیل بخشی مقابل وزارت دادگستری در تهران تجمع کردند. در این روز تجمع کنندگان همصدا با هفت تپه و با فریاد شعار خلع ید یک کلام، خواسته ما والسلام، صحنه درخشانی از همبستگی را به نمایش گذاشتند. در حرکت اعتراضی این روز هنگامیکه بازنشستگان شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی را سر دادند، بسیجیها با شعار الله اکبر تلاش کردند جلوی طین رسای شعار تجمع کنندگان را بگیرند، اما فریاد شعارهای مردم در فضای خیابانهای اطراف دادگستری طین انداخته بود. در این تجمع

دانشجویان شرکت کننده با شعار رسای دانشجوی، کارگر، اتحاد اتحاد همبستگی و اتحاد خود را اعلام کردند. بدین ترتیب امروز سوم دیماه شاهد یکی دیگر از زیباترین لحظات اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و همبستگی مردمی بودیم.

همانطور که قبلا گزارش کرده بودیم بدنال مبارزات جانانه کارگران نیشکر هفت تپه امروز سوم دیماه "هیات دوری" در مورد تعیین تکلیف آینده اقتصادی این شرکت تشکیل جلسه داد. فراخوان به تجمع این روز از سوی کارگران نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی داده شده بود. همزمان از سوی اسماعیل بخشی طوفانی تویتری با هشتگ #خلع_ید_یک_کلام_والسلام به راه افتاد که با شرکت وسیع کاربران به موضوع داعی تبدیل شد. از سوی دیگر همانطور که در اطلاعیه قبلی گزارش

کردیم ۳۷ گروه و تشکل از میان کارگران، بازنشستگان، فارغ التحصیلان، بیکار، ورزشکاران و جوانان و بیکاران محلات و نیز گروه اتحاد بازنشستگان از فراخوان کارگران نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی طی بیانیه ای ابراز حمایت و پشتیبانی کردند و دیگر بخشهای جامعه را به

پیوستن به این حرکت فرا خواندند. این چنین است که نیشکر هفت تپه در ادامه جدالی جانانه علیه بساط دزدی و چپاول بخش خصوصی و سرکوبگریهای حکومت مبتکر شکل دادن به یک همبستگی مبارزاتی شد. امروز هفت تپه به صدای اعتراض همه مردم علیه فقر، تبعیض، نابرابری

و چپاولگری ها و دزدی ها تبدیل شده و در قلب مردم جا دارد. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد. هفت تپه باید پیروز شود و مبارزات حمایت و همبستگی ما در سراسر کشور ضامن این پیروزی است.*

اطلاعیه شماره ۹

به یاری سیل زدگان بشتابیم

روز اخیر در استان خوزستان خیابانها و منازل مردم بار دیگر دچار آبگرفتگی شده اند. در شهر اهواز خطوط فاضلاب آب را به صورت فوران آبشار در جهت معکوس به خیابانها برگشت داده است. در جایی مثل اداره آب و فاضلاب برای جلوگیری از ورود آب به داخل ساختمان گونی های شن گذاشته اند. دو هفته است که این وضعیت در این منطقه حاکم است. طی این مدت ۱۶ شهر استان با بحران بالا آمدن فاضلابها و نفوذ آن به منازل خود روبرو هستند و خسارتهای بسیاری به مردم وارد شده است. اکنون در شهرهای شوشتر، لالی، مسجدسلیمان، سربندر و ماهشهر نیز آب وارد

بنا بر خبرها بارش بارانهای اخیر، در استانهای خوزستان، بوشهر، هرمزگان، فارس، کرمان، گیلان و سیستان و بلوچستان باعث آسیب دیدن مردم و خانههای آنان شده است. در همین مدت مردم خسارت مالی بسیاری دیده اند. از جمله به زمین های کشاورزی مردم آسیب وارد شده و دامداران با مشکل روبرو شده اند. در خوزستان وضع بسیار اسفناک است. اخبار از تلفات جانی نیز سخن میگوید اما آماری در دست نیست و بشدت اخبار سانسور میشود تا مبادا پخش آن بر خشم بیشتر مردم دامن بزند.

بنا بر خبرها آغاز دو باره بارش باران در سه

منازل مردم شده است. در برابر اعتراضات مردم وعده و وعید زیاد داده شده، اما اقدامی صورت نگرفته است و نمیگیرد. در بیست و چهارم آذر استاندار خوزستان اعلام کرد که برای هر منزل آبگرفته در مجموع ۲۱۵ میلیون تومان که ۵۵ میلیون تومان آن بلاعوض بوده و ۱۶۰ میلیون تومان آن با بهره پنج درصد است، داده خواهد شد. اما مردم میگویند با ۵۵ میلیون آنهم اگر پرداخت شود، چه میتوانند بکنند در حالیکه هست و نیستشان را از دست داده اند. در عین حال مردم میدانند که در پی این وعده ها چیزی جز به راه افتادن بازار دزدی و به جیب زدن پولهای کلان تحت عنوان کمک به سیل زدگان نصیب آنها نخواهد شد. مردمی که حکومت را مسئول مستقیم این وضعیت میدانند، خواستار اقدام

فوری و رفع نیازهایشان هستند. دولت از یکطرف وعده و وعید میدهد و از طرفی فضا را امنیتی کرده و با استقرار نیروی سپاه میکوشد جلوی اعتراضات را بگیرد. در همین مدت تعدادی از فعالین اجتماعی بازداشت شده و هنوز در زندانند. باید وسیعا از سیل زدگان در خوزستان و در تمام شهرها حمایت کرد. باید نیازهای فوری مردم برای تامین معاششان و برای لایروبی آب و فاضلاب از منازل و خیابانها کمک رسانی شود. باید خسارات وارده به مردم بلا عوض و بی فید و شرط جبران شود. باید آب آشامیدانی سالم در اختیار مردم قرار گیرد. باید خسارات مردمی که زمینهای کشت و یا دام خود و کار و شغل شان را از دست داده اند جبران و برای آنها حقوق پایه ماهانه

در نظر گرفته شود. باید به لحاظ بهداشتی امکانات لازم به رایگان در اختیار مردم قرار گیرد خصوصا در دل بحران بیماری مهلک کرونا این امر بسیار ضروری است. و باید همه فعالین بازداشت شده از جمله "ازهار آلبوغیش" و دو برادر نوجوان او در شهر شادگان، "فاطمه تمیمی" در شهرک جراحی ماهشهر، مریم عامری" در شهر اهواز، "زینب سواری" و دو خواهر و برادر وی در شهر رفیع، فاطمه سواری در هویزه فوراً و بدون فید و شرط آزاد شوند.

به یاری سیل زدگان بشتابیم

کمیته سازمانده حزب
کمونیست کارگری

واحد خوزستان

۲۹ آذر ۹۹

۱۹ دسامبر ۲۰۲۰

حکم اعدام محمد حسن رضایی باید بیدرنگ متوقف شود!

جمهوری اسلامی می خواهد
یک جوان دیگر را اعدام کند

محمد حسن رضایی بصورت فوق اضطراری در خطر مرگ قرار دارد و به سلول انفرادی زندان لاکان رشت منتقل شده است. او در زمان دستگیری فقط ۱۶ سال سن داشت که در جریان یک دعوی گروهي منجر به قتل در سال ۱۳۸۶، دستگیر شد. در زمان بازجویی طولانی مدت در سلول انفرادی، بدون اینکه به خانواده و وکیل دسترسی داشته باشد، وحشیانه با کتک ضرب و جرح و با مشت و لگد و شلاق با شلنگ و ضربات سنگین با چوب، تا سر حد مرگ شکنجه شد تا علیه خود به ناچار اعتراف کند! سپس در روند دادگاهی بشدت ناعادلانه علیرغم اینکه محمد حسن به صراحت اعلام کرد تمامی اعترافات از او تحت شکنجه شدید گرفته شده است، در سال ۱۳۸۷، در دادگاه بدوی، بدون اینکه قاضی پرونده رأی به تحقیق در مورد شکایت او مبنی بر شکنجه بدهد، بیرحمانه محکوم به اعدام گردید.

محمد حسن اکنون ۳۰ سال سن دارد و بیش از ۱۳ سال از عمر نوجوانی و جوانی خود را در زندان با کابوس مرگ سپری کرده است. مسئولین دادگاه و زندان لاکان رشت علیرغم اینکه بر مخدوش بودن پرونده او کاملاً واقف هستند، بدون اینکه روند دادرسی عادلانه‌ای برای او انجام دهند، طبق رأی

بریل کوفر، مسئول حقوق بشر دولت آلمان، تأیید حکم اعدام محمدحسین رضایی را محکوم کرده است و خطاب به مسئولان دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اعلام کرده است مراحل رسیدگی به جرم و بازجویی از محمدحسن رضایی توأم با شکنجه و آزار و اذیت بوده است و اعترافات موجود در پرونده مخدوش و غیر قابل استناد است.

دیانا الطحاوی، معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرده است:

حکم اعدام محمد حسن رضایی باید بیدرنگ متوقف شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

«تصمیم مقامات قضایی جمهوری اسلامی انزجار آور است. کودکی را بیش از یک دهه در صف اعدام، نگهداشته‌اند و حالا برای اجرای حکم به سلول انفرادی در زندان لاکان رشت منتقل کرده‌اند و به خانواده وی اعلام شده است یک هفته دیگر او اعدام خواهد شد. مقام‌های ایران باره‌م با حمله به حقوق کودکان عدالت‌کفیری را به سخره‌ی کامل گرفته‌اند.»

نهاد کودکان مقدمند این

یاد عزیز شیرزاد فاتح و تلاش‌های او در مبارزه برای رهایی و آزادی، و برای حقوق کودک و کارگران جاودانه خواهد ماند.

حزب کمونیست
کارگری ایران

۲۴ دسامبر ۲۰۲۰

پیام تسلیت

حزب کمونیست کارگری درگذشت شیرزاد فاتح را به همسر و بستگان او و به دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان صمیمانه تسلیت می‌گوید.

با تاسف فراوان مطلع شدیم شیرزاد فاتح کادر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در سوئد جان باخت.



بایکوت سیاسی این حکومت کودکش عاجل‌ترین اقدامی است که مانع تکرار اعمال جنایتکارانه آن خواهد شد.*

نهاد کودکان مقدمند

۳۰ آذر ۱۳۹۹
۲۰ دسامبر ۲۰۲۰





شناس، حسین تاج وکیل دادگستری و اسماعیل بخشی از چهره های شناخته شده کارگری سخنرانی کردند. همچنین فعالینی از معلمان از جمله اسماعیل عبدی عضو کانون صنفی معلمان که در زندان است، با پیامهای صوتی و تصویری خود این روز را شادباش گفتند. اسماعیل بخشی با اعلام اینکه کارگر، معلم و مردم معترض برای پیشبرد قدرتمند مبارزاتش راهی جز متشکل شدن ندارند بر جایگاه و اهمیت تشکلهای مستقل از جمله ایجاد شوراها تاکید کرد. و تشکیل کانون صنفی معلمان را یک دستاورد خواند و بیست و یکمین سال تشکیل آنرا شادباش گفت. گرامیداشت بیست و یکمین سالگرد تشکیل کانون صنفی معلمان تاکید دیگری بر حق تشکل از سوی معلمان است.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری

پیش بسوی
ایجاد شوراها

حزب کمونیست
کارگری ایران

۳۰ آذر ۱۳۹۹
دسامبر ۲۰۲۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

داشتن یک زندگی انسانی و قابل قبول باید برخوردار باشند. درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان و داشتن مسکن حق مسلم همه مردم است.

اعتراضات کارگران نفت لرستان، آب و فاضلاب روستایی خوزستان و سه خبر دیگر

- روز شنبه ۲۹ آذر کارگران شرکت نفت لرستان اعتراض خود را به انتقال محل کارشان بدور از محل زندگی خود رسانه ای کردند. بنا بر اخبار منتشر شده جایگاههای سوخت استان لرستان بیش از یکسال است به بخش خصوصی واگذار شده است و در همان ابتدای واگذاری ۶۰ نفر از کارگران شاغل در این جایگاهها بیکار شدند. اما بدنبال اعتراضات، این کارگران بعد از چندین ماه بیکاری و بلاتکلیفی مجدداً به کار در شرکت نفت بازگردانده شدند. اما مدیریت میخاوه این کارگران را به استان دیگری برای کار منتقل کند. این کارگران به انتقال اجباری خود به شرایط نامتعارف و نامناسب کاری خود در جایگاههای یک استان دور از محل زندگیشان اعتراض دارند. به این کارگران اعلام شده است که اگر با درخواست انتقال به مناطق موردنظر موافقت نکنند به منزله انصراف از کار تلقی شده و اخراج می شوند.

- روز ۲۹ آذر شماری از کارگران آب و فاضلاب روستایی استان خوزستان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و عدم پرداخت چند ماه حقوق خود، مقابل ساختمان آب و فاضلاب تجمع کردند. بنا بر خبرها حدود ۹۵۰ کارگر آبدار، ۶۳۰ نیروی طرحی، ۲۵۰ کارگر قراردادی در آب و فاضلاب روستایی خوزستان کار میکنند که از میان آنها فقط ۲۵۰ نفر به اداره آب و فاضلاب اهواز منتقل شدهاند و مابقی در شهرستانهای استان مثل حمیدیه، باوی و کارون مشغول کار هستند. به گفته کارگران با ادغام آبفای شهری و روستایی استان خوزستان، سازمان حاضر به پذیرش پرداخت حقوق نیروهای طرحی نمی شود و این کارگران همچنان

تلخیصی از اطلاعیه خبری حزب!

بودند که در مرداد ماه دست به اعتصاب زدند و امروز به خلف وعده ها اعتراض دارند. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مبلغی حداقل بر دستمزدها اضافه میکند و در شرایطی که قدرت خرید کارگران هر روز پایین تر می آید انجام آن برای کارگران فوری است. خواست اصلی این کارگران افزایش فوری دستمزدهاست که یک محور مهم اعتصابات مردادماه کارگران نفت بود. - روز ۱ دی حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی شاغل در بخش خدمات و فضای سبز شهرداری بندرعباس در استان هرمزگان اعتراض خود به تعویق پرداخت سه ماه مزد و بلاتکلیفی شغلی بخاطر خروج پیمانکار رسانه ای کردند. این کارگران برای پیگیری مطالبات خود در روز ۲۸ آذر مقابل ساختمان استانداری تجمع داشتند.

- روز ۱ دی کارگران پسماند شهرداری بندر بوشهر در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد خود دست از کار کشیدند. - روز ۱ دی رانندگان خط واحد ارومیه برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. رانندگان خط واحد ارومیه اعلام کرده اند که تا وقتی شهرداری به مطالبات آنها پاسخ ندهد و مشکلات مالی شان را برطرف نکند به تجمع و اعتصاب ادامه خواهند داد.

- روز ۱ دی ماه گروهی از کارگران روزمزد ارومیه با دست نوشته های که بر روی آن نوشته شده بود "فریاد کارگران گرسنه"، اعتراض خود را به فقر و گرسنگی اعلام داشتند. قبل از این نیز در شهرهای مختلف جوانان و مردم معترض با تجمعات موضعی و شعار غذا نیست، ترس نیست، شورش گرسنگان در راه است، بیمه بیکاری حق مسلم ماست، گوشه هایی از این حرکت اجتماعی علیه کل بساط چپاول و فقر و گرسنگی و توحش حاکم را به نمایش گذاشتند. دولت در قبال معیشت مردم مسئول است. همه مردم بدون درآمد و یا کم درآمد باید از حقوق پایه ماهانه در حد

ادامه اعتراضات در پتروشیمی ایلام و فراخوان دوم بازنشستگان تامین اجتماعی به تجمع

- روز ۵ دی کارگران اخراجی سایت الفین پتروشیمی ایلام شهرستان چوار با خواست بازگشت به کار برای سومین روز دست به تجمع زدند. با نزدیک شدن این سایت به بهره وری تعدادی از کارگران بعد از چند سال کار تحت عنوان "عدم نیاز" اخراج و به جای آنان سفارشی های دست اندرکاران به کار گرفته شده اند. این موضوع موجب اعتراض کارگران شده است.

- بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان فراخوان دوم خود به تجمع را که قرار بود در چهاردهم دیماه برگزار شود، به بیست و یکم دیماه موکول کردند. این تجمع سراسری است و در ساعت ده و نیم صبح در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار خواهد شد. علت این تعویق تعطیلی مجلس عنوان شده است.

تجمع قبلی بازنشستگان تامین اجتماعی در روز ۲۳ آذر در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار شد و جمعیت بسیاری در آن شرکت داشتند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان با شعارهایی چون "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "حقوق طبق تورم"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" فریاد اعتراضشان را بلند کردند.

تجمع اعتراض کارگران قرار داد موقت پتروشیمی بندر امام و چند خبر دیگر

- روز ۲ دی جمعی از کارکنان قرارداد مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، در محل این سازمان دست به تجمع زدند. این کارگران بخشی از ۲۵۰۰۰ کارگر نفت